

رِسَدِ آدمی به جایی ...

تشکر خالق از مخلوق!!

در قرآن در مورد خانواده ای سخن می گوید که چنان در راه مستقیم انسانیت
لیاقت به خرج دادند و گوهر انسانیت خود را جانانه پاسداشت نمودند که در رفتار
و گفتار و افکار خود جزء خداوند سبحان ندیدند. یک نمونه از آن رادمردی ها
بخشش و ایثار خوردنی و آشامیدنی خود در راه خدا به یتیم و مسکین و اسیر
بود. خداوند در تحسین رفتار و بیان پاداش به آنها فرمود که تلاش شما مورد

تشکر است!!!

سوره انسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند رحمتگر مهربان

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا ﴿١﴾ آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل

ذکری نبود (۱) إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾ ما انسان را از نطفه

مختلطی آفریدیم و او را می آزماییم بدین جهت او را شنوا و بینا قرار دادیم (۲) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا

وَأِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾ ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و

پذیرا گردد یا ناسپاس (۳) ما برای کافران زنجیرها و غلها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم (۴)

اینها چه کسانی بودند؟ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا

تَفْجِيرًا ﴿٦﴾ به یقین ابرار و نیکان از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است (۵) چشمه ای که بندگان

خدا از آن می نوشند و [به دلخواه خویش] جاریش می کنند (۶) يُوَفُّونَ بِالْنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا

﴿٧﴾ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾ [همان بندگان] که [به نذر خود وفا میکردند و از

روزی که گزند آن فراگیرنده است می ترسیدند (۷) و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می

دادند (۸) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لَوْحَهُ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾

ما برای خشنودی خداست که به شما می خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم (۹) ما از پروردگارمان

از روز عبوسی سخت هراسناکیم (۱۰)

پاداش این افراد چه است؟ (۱۱) پاداش در قبال کار آنها بیان می کند) فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ

نَصْرَةً وَسُرُورًا ﴿۱۱﴾ وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿۱۲﴾ پس خدا [هم] آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و

شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت (۱۱) و به [پاس] آنکه صبر کردند بهشت و پرنیان پاداششان داد (۱۲)

مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ﴿۱۳﴾ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ﴿۱۴﴾

در آن [بهشت] بر تختها [ای خویش] تکیه زنند در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی (۱۳) و سایه ها [ی درختان]

به آنان نزدیک است و میوه هایش [برای چیدن] رام (۱۴) وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا

﴿۱۵﴾ قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿۱۶﴾ و ظروف سیمین و جامهای بلورین پیرامون آنان گردانده می شود

(۱۵) قجامهایی از سیم که درست به اندازه [و با کمال ظرافت] آنها را از کار در آورده اند (۱۶)

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ﴿١٨﴾ وَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا ﴿١٩﴾ و در آنجا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد به آنان می نوشانند (۱۷) از چشمه ای در آنجا که سلسبیل نامیده می شود (۱۸) و بر گرد آنان پسرانی جاودانی می گردند چون آنها را ببینی گویی که مرواریدهایی پراکنده اند (۱۹) وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿٢١﴾ و چون بدانجا نگری [سرزمینی از] نعمت و کشوری پهناور می بینی (۲۰) [بهشتیان را] جامه های ابریشمی سبز و دیبای ستبر در بر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است و پروردگارشان باده ای پاک به آنان می نوشاند (۲۱) (بالا تر از همه پاداش ها) إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا ﴿٢٢﴾ این پاداش شماست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است! (۲۲) «مَشْكُورًا»: مورد تشکر

رسد آدمی به جایی که پرودگار عالمیان از او تشکر کند

گرت هواست که با یار آشنا گردی	بباید آنکه ز اُغیار او جدا گردی
رسی به مرتبه قُربش آن زمان که کنی	تهی ز غیر دل خویش با صفا گردی
دلا به ساحل الله نمی رسی هرگز	جز آنکه پیرو ملاح بحر "لا" گردی
اگر چه با تو خدا هست در همه احوال	تو نیز جهد نما تا که با خدا گردی
حاب، باد چو از سر برون کند آب است	تو نیز باد برون کن ز سر تا فنا گردی

شعر از آیه الله شیخ عباس تهرانی